

تمامی عوامل و آمران آشکار و پنهان ادامه خواهد داد.
لذا برپایه این استراتژی روزنامه رسالت وظیفه پیگیری این اقدام باند مخوف نوارسازان را وظیفه ملی و دینی خود می‌داند و امیدوار است مسئولان قضائی هرچه سریعتر نتیجه بازجویی‌ها و چهره‌عاملان و آمران جزء باند مافیائی «نوارسازان» را به اطلاع عموم مردم ایران و افکار عمومی مشتاق اعلام نماید.

کیهان ۶ ژوئن ۲۰۰۰

نوار!

گفت : اخیرا نواری تهیه شده که در آن شخصی به نام فرشاد ابراهیمی بسیاری از افراد اصولگرا را به دست داشتن در برخی از تشنج‌آفرینی‌ها متهم کرده است!

گفتم : همان نواری که اولین بار خبر آن از اسرائیل پخش شد؟!!

گفت : آه چطور مگه؟!!

گفتم : همان نواری که روزنامه صهیونیستی شرق الاوسط متن آن را منتشر کرد؟!!

گفت : آره، درسته چطور مگه؟!!

گفتم : همان نواری که دیشب رادیوانگلیس از قول یکی از لردهای انگلیسی به آن اشاره کرده بود؟!!

گفت : آره، آره!

گفتم : همان نواری که دیشب کارشناس رادیو اسرائیل در مصاحبه با رادیو آزادی - وابسته به سیا - به آن استناد کرده بود؟!!

گفت : آره، آره! ... اما مگر این نوار را یکی از گروه‌های موسوم به اصلاح طلب، تهیه و پخش نکرده است؟ پس چرا اسرائیلی‌ها و آمریکائی‌ها و انگلیسی‌ها از آن استفاده کرده‌اند؟!!

گفتم : اگر قرار باشد خیاط‌ها فقط برای خودشان لباس بدوزند که ورشکست می‌شوند! خیاطی باز می‌کنند که به سفارش دیگران لباس بدوزند.

گفت : ولی این گروه اصلاح طلب که مثل دزد ناشی به کاهدان زده است!

گفتم : شخصی با کلنگ به صخره‌ی می‌کوبید، از او پرسیدند چه می‌کنی؟ گفت کشاورزی می‌کنم، گفتند چه می‌کاری؟ گفت چیزی نمی‌کارم که به کار آید، به او گفتند یاد مرحوم پدرت به خیر، اوهم چیز به درد بخوری نکاشت!!

کیهان ۱۲ ژوئن ۲۰۰۰

سخنان عباسعلی علی‌زاده رئیس دادگستری تهران
پس از دستگیری ابراهیمی و ...

رئیس کل دادگستری استان تهران صبح امروز در آستانه هفته قوه قضائیه به خبرنگاران گفت: در جلساتی که با شورای نگهبان و وزارت کشور داشتیم در خصوص تخلفات انتخاباتی تهران اعلام کردیم این دوارگان هیچکدام حق شکایت ندارند و طبق ماده ۳ آئین دادرسی کیفری جرایمی که جنبه عمومی دارد مدعی العموم باید رسیدگی کند.

به گزارش خبرنگار ما حجت الاسلام عباسعلی علی‌زاده گفت سیاستگذاری رسیدگی به تخلفات انتخاباتی برعهده قوه قضائیه است. آیت‌الله شاهرودی دستور داده است کار تحقیق و تفحص و بازبینی صندوق‌ها را سازمان بازرسی کل کشور انجام دهد و پس از تکمیل گزارش آن را به دادگستری استان تهران جهت رسیدگی ارسال نماید.

وی اضافه کرد پرونده تخلفاتی انتخاباتی استان تهران در سازمان بازرسی کل کشور در حال رسیدگی است و در این

خصوص شکایات وزارت کشور و شورای نگهبان که علیه یکدیگر صورت گرفته در شعبه ۱۶ دادگاه عمومی تهران تحت بررسی است.

حجت الاسلام علیزاده در مورد رسیدگی به پرونده نوارسازان از دستگیری دو نفر به نام‌های فرشاد ابراهیمی و کیانوش مظفری خبر داد و گفت: پرونده این دو نفر در شعبه ۱۶ تحت بررسی و تحقیقات مقدماتی انجام گرفته است. نوار در اختیار قاضی قرار گرفته و اصل نوار را شخص این جانب و رئیس شعبه دیده‌ایم، ادعاهایی علیه برخی از ارگان‌ها مطرح شده که احتیاج به تفحص کامل دارد. اگر ادعای فرد درست باشد باید رسیدگی شود و حکم قاضی صادر گردد. و اگر صحت نداشته باشد باید بررسی شود که چرا يك فرد علیه مسئولان نظام چنین مطالبی را مطرح کند. تحقیق از طرفین شاکی ادامه دارد.

پرونده به وزارت اطلاعات واگذار شده تا يك هفته دیگر موضوع در محکمه مطرح شود ...

روزنامه رسالت ۱۸ خرداد ۱۳۷۹

حبیب الله عسگراولادی دبیر کل جمعیت مؤتلفه اسلامی

باند نوارسازان چه ارتباطی با لندن و سرویس‌های
جاسوسی دشمن دارند؟

آقای عسگراولادی در پاسخ به یک سؤال در مورد پروژه
نوارسازی و ادعای اخیر روزنامه شرق الاوسط چاپ لندن گفت :
چندی است در محافل داخل سخن از یک نوار و سخنان طراحی
شده فردی است که ادعاهای بسیاری دارد. اکنون این نوار سر
از لندن درآورده است.

وی افزود مقامات قضائی و اطلاعاتی باید اولاً صحت
و سقم ادعاهای این فرد را بررسی کنند؟ ثانیاً اهداف طراحان
این ادعاهای واهی و بی اساس را تحقیق نمایند و ثالثاً معلوم
شود چه ارتباطی با لندن و سرویس‌های جاسوسی دشمن دارد.
وی در پاسخ به این سؤال که ظاهراً در این نوار سخن از
خیلی شخصیت‌ها به میان آمده است آنچه مربوط به این جانب
آمده کذب محض است و به همین دلیل شکایتی هم تسلیم

دادگستری خواهم کرد. البته شنیده شده کسانی هم که به بهانه‌های مختلف از آن‌ها نام برده شده است چون مطالب خلاف واقع بوده آن‌ها هم شکایت کرده‌اند. البته قابل پیش بینی بود که پروژه تخریب بعد از هاشمی رفسنجانی به شخصیت‌های دیگر انقلاب هم سرایت خواهد کرد. وی در پاسخ به این سؤال که هدف طراحان این نوار از ایراد اتهامات چه بوده است گفت: هدف آن‌ها در يك رسيدگی دقيق حقوقی و اطلاعاتی مشخص می‌شود اما تا آن جایی که اطلاع دارم این اولین محصول کار آن‌ها نبوده و در گذشته هم چنین طراحی‌هایی داشته‌اند. متأسفانه به دلیل ضعیف برخورد کردن دستگاه اطلاعاتی ما و عدم پیگیری سریع قضائی، پروژه نوارسازی همچنان به محصولات خود برای تهدید امنیت ملی و ایجاد اختلاف در داخل و تخریب شخصیت‌ها امیدوار است.

بالمشارت ۲۵ خرداد ۷۹

نکته قابل توجه تعارض متن سناریو در نوار فرشاد ابراهیمی و سناریوی نشریات «الشرق الاوسط» سلطنت طلب «نیمروز» چاپ لندن این که خوشبختانه دم خروس رسوایی نوارسازان داخلی را آشکار می کند. به طوری که در متن سناریو افشا شده توسط روزنامه های مذکور در خارج از کشور و فیلم ویدیوئی فرشاد ابراهیمی که در داخل توزیع شد تعارضاتی به چشم می خورد که نتیجه آن تدوین قبلی متن نوار توسط باندهای پنهانی داخلی است که تنها بخشی از آن توسط فرشاد ابراهیمی و متن کامل آن توسط نشریات ضدانقلاب خارج از کشور منتشر شده است.

ملاحظه دیگر ماجرا عامل مزدور و مشکوک یعنی بهبهانی است که اظهارات وی و فرشاد ابراهیمی به طور یکسان مورد استناد رادیوها و مطبوعات غربی برای کوبیدن نظام و انقلاب اسلامی قرار گرفته است و حاکی از هماهنگی قبلی و حساب شده است. انصار حزب الله به وضوح سرانگشت خیانت برخی افراد و مقامات مرتبط به دولت در این پروژه را می شناسد و به رئیس محترم دولت توصیه می کند تا با دقت و وسواس و تعهد بیشتری با مساله برخورد نماید. بیش از آن که سهل انگاری در این موارد منجر به بحران های غیر قابل مهار اجتماعی و سیاسی گردد - که چنین مباد.

« شما » ارگان مؤتلفه شماره ۱۶۶، ۱۹ خرداد ۷۹

در یکی دو هفته اخیر بحث يك نوار ویدیوئی در محافل سیاسی پیچید که در آن فردی به نام فرشاد ابراهیمی به ایفای نقش می‌پردازد و ادعاهایی را مطرح می‌سازد که در درجه پائین تری از جنس همان اعترافات بهبهانی در مصاحبه بازجوئی مانند شبکه CBS آمریکا به نظر می‌رسد.

فرشاد ابراهیمی در حالتی که به نظر می‌رسد پس از ضرب و شتم و بازجوئی از او فیلم گرفته شده است (اگر باند نوارسازان او را گرم نکرده باشند) ادعا می‌کند که فردی کلیدی از انصار حزب الله و مزدور برخی گروه‌های سیاسی بوده و در حمله به تجمعات نقش داشته است به نوشته «رسالت» او در آن فیلم از بسیاری از شخصیت‌های نظام نام برده و ادعا می‌کند که مبالغی را برای اعمال خود از آن‌ها دریافت کرده است.

روزنامه رسالت در روز سه شنبه ۷۹/۳/۱۷ این عبارت را به عنوان تیتر درشت صفحه اول خود انتخاب کرد: «جدیدترین پروژه نوارسازان، وزارت اطلاعات و قوه قضائیه چه پاسخی دارند؟» و ضمن تشریح ابعاد ادعاهای مطرح شده در سخنان نقش آفرین طرح جدید جریان جنگ روانی در داخل، حلقه واسط بین جریان صهیونیست بین الملل در خارج و ارتباط

آن با جریان داخلی خط تخریب را این گونه ارزیابی نمود: «خط انگلیس وارد ماجرا می‌شود! روزنامه الشرق الاوسط نشریه عربی زبان چاپ لندن که از طریق عامل فعال انتلیجنس سرویس یعنی نوری زاده به صورت جدی در صدد تشدید نوارهای ضعیف وابستگی به بیگانگان و احیای خط انگلیس در ایران است با پخش متن قطعه های گزینش شده این مصاحبه ناخواسته سناریو انگلیسی ها در ایران را لو داد. این روزنامه مدعی است دارای منابعی مطمئن در ایران است ... بنا بر شنیده ها پروژه نوارسازی که برای تخریب شخص آقای هاشمی طراحی شده قرار بود در صورت ورود آقای هاشمی به مجلس فعال گردد اکنون با عدم حضور هاشمی چون بادبادکی بی فایده از دست رها شده و به عنوان بازیچه دست چندم به دست عوامل شهرت طلب خط انگلیس افتاده است.»

علاوه بر مطلب فوق تشابهات این عمل در داخل و هماهنگی آن در خارج به حدی می‌باشد که هیچگونه شکی در خویشاوندی يك جریان در داخل با نظام سلطه جهانی وجود ندارد و همانطور که رسالت عنوان می‌نماید، حلقه واسطه آن در خارج خط انگلیسی جریان سلطه می‌باشد و خط واسطه داخلی آن جریانی خزنده است که از ابتدا تا کنون نقش عوامل ستون پنجم دشمن را به خوبی ایفا کرده و هم اکنون نیز مأموریت یافته است تا همراه با جریان جنگ روانی مشروعیت شخصیت ها و جریان های اصیل نظام را زیر سؤال برده، در نهایت طرح

براندازی را پیاده نماید!

جریان سلطه در خارج، با هدف ایجاد میدان‌های خطر ابعاد جنگ روانی علیه نظام را پیگیری کرده و دنباله آن در داخل کشور با هدف خسته کردن شخصیت‌های اصیل نظام جنگ روانی علیه آنان را سامان می‌بخشد.

روزنامه ایران شماره ۱۵۹۴ - ۱۴ اگوست ۲۰۰۰

علیرغم آن که دستگاه قضا، در پی انتشار اعترافات امیرفرشاد ابراهیمی در «الشرق الاوسط» و سپس روزنامه‌های فارسی زبان و رادیو—ها به نقل از این روزنامه عرب زبان بین المللی، بادرستگیری شیرین عبادی وکیل امیرفرشاد ابراهیمی و دکتر محسن رهامی وکیل دانشجویان در محاکمه فرماندهان نیروهای انتظامی و چهار تن دیگر، مدعی شد که حرف‌های امیرفرشاد ابراهیمی بی‌اساس است و او درزندان اعتراف کرده رهامی و عبادی وی را به گفتن سخنانی که در نوار ویدیوئی آمده واداشته اند، اما با آزادی عبادی و رهامی و تشکیل هیأت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی، معلوم شد ماجرا به گونه دیگری بوده است. امیرفرشاد ابراهیمی در دیدار با اعضای هیأت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی علیرغم حضور قاضی، صریحا گفته بود: پای حرف هایش ایستاده است. محسن آرمین رئیس هیأت روز یکشنبه ۲۳ مرداد به

خبرنگاران گفت :

فرشاد ابراهیمی در ملاقات با این هیأت بدون هیچگونه احساس محدودیتی و با آزادی لازم به اظهار نظر و دفاع از اظهارات خود پرداخت،

شرایط ملاقات بامتهم پرونده سازان مطلوب بود و هیأت امیدوار است در سایه همکاری قوه قضائیه و سایر دستگاه‌های ذربط بتواند وظیفه خطیر خود را به نحو شایسته انجام دهد.

آرمین با تشریح روند موافقت قوه قضائیه با انجام این ملاقات گفت: پس از بروز برخی ابهامات درباره حدود اختیارات مجلس شورای اسلامی در تحقیق و تفحص پیرامون پرونده‌ها و موضوعات قضایی و تلاش‌هایی که برای رفع سوء تفاهمات فیما بین صورت گرفت، سرانجام درخواست هیأت تحقیق و تفحص مبنی بر فراهم نمودن امکانات و تسهیلات لازم و انجام ملاقات با متهم مورد موافقت رئیس کل دادگستری تهران قرار گرفت و ی ادامه داد: در این ملاقات که دو و نیم ساعت طول کشید، اعضای هیأت به اظهارات فرشاد ابراهیمی گوش دادند و وی پس از بیان سیر پرونده و موضوعات مطروحه به سئوالات آنان پاسخ داد.

از آرمین سؤال شد: آیا هیأت تحقیق و تفحص ملاقات دیگری با فرشاد ابراهیمی انجام خواهد داد؟ که وی پاسخ داد: چنانچه هیأت در جمع بندی به این نتیجه برسد که ملاقات دیگری با متهم صورت دهد، در این جهت اقدام خواهد کرد.

همچنین در این خصوص شنیده شد که امیرفرشاد ابراهیمی در این جلسه ضمن این که از اظهارات خود دفاع کرده، از اعضای هیأت در حضور قاضی پرونده خواسته است يك ماه مرخصی تحت الحفظ برایش مهیا کند تا اسناد مربوط به اظهاراتش را ارائه نماید. ابراهیمی گفته است برای تمامی مطالبی که مطرح کرده‌ام سند دارم و می‌توانم آن‌ها را ثابت کنم.

محفل رسانه ای قتل‌ها

و

نوری زاده

محفل رسانه‌ای قتل‌ها و نوری زاده

در طول سه سال گذشته کمتر نویسندگانی به اندازه نگارنده مورد لطف رئیس محفل رسانه‌ای قتل‌های زنجیره‌ای، حسین شریعتمداری (مدیر مسئول روزنامه کیهان و نماینده ولی فقیه) بوده است.

کیهان، تقریباً یک روز در میان در رابطه با مصاحبه‌ها، نوشته‌ها و ارتباطات من با شرق و غرب عالم، مطالبی را چاپ می‌کند. چند نمونه از این مطالب را در کنار نمونه‌هایی از گزارش‌ها و نوشته‌های روزنامه‌های وابسته به مافیای قدرت در رابطه با افشاگری‌های صاحب این قلم، در این بخش آمده است.

کیهان می ۲۰۰۰

خدمات جاسوس چند جانبه

علیرضا نوری زاده جاسوس مشترک آمریکا و صهیونیستها که ارتباط وسیعی با برخی مطبوعات و رادیوهای بیگانه دارد، اخیرا از طریق برخی مطبوعات عربی شایعه کودتای سپاه را مطرح می‌کند.

وی که با گروهك خلق مسلمان ارتباط داشت و هم اینك از طریق يك شبکه متصل به داخل، مشغول تولید شایعه است مدعی شد این کودتا علیه رئیس جمهور بوده است! انگلیسیها نیز که از خدمات جاسوسی نامبرده استفاده می‌کنند، در انتشار این شایعه سهیم بوده‌اند.

این در حالی است که اخیرا فرماندهان عالیرتبه سپاه دیداری صمیمانه با رئیس جمهور داشتند. تحرك اخیر در راستای هجوم توپخانه تبلیغاتی دشمن علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارزیابی می‌شود که در جریان ترور حجاریان نیز قصد داشت به مقاصد ضدانقلابی خود برسد اما توفیق نیافت. هنگام با این شایعات اخیرا نیز بر روی شبکه اینترنت صفحه اول روزنامه فتح منتشر شد که با تیتراژ درشت در آن شده بود: «خاتمی ترور شد!»

مقاله مشروح کیهان درباره‌ی خط دهنده جریان سوم

کیهان ارگان اصلی محفل رسانه‌ای مافیای وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه (باند فلاحیان - پورمحمدی) روز یکشنبه اول خرداد ماه ۱۳۷۹ مقاله‌ای به چاپ رساند که تأمل در جزئیات آن آشکار می‌کند تا چه حد جریان افشاگری که به دنبال قتل‌های زنجیره‌ای در خارج از کشور به حرکت آمد، عاملان و آمران جنایات ۲۰ ساله را به وحشت انداخته است.

یکشنبه اخرداد ۱۳۷۹ - ۲۱ می ۲۰۰۰

گزارش مستند کیهان از هماهنگی میان مطبوعات زنجیره‌ای و جریان ضدانقلاب

استاد حسن عمید در اثر ارزشمند «فرنگ فارسی» در تعریف واژه «پایگاه» آن را «جای پا» می‌داند. باین وصف مفهوم «پایگاه دشمن» را باید «جای پای دشمن» بدانیم. در این صورت بسیار طبیعی است که تبدیل شدن برخی سامانه‌های فرهنگی و سیاسی کشور به «پایگاه دشمن» هر شهروند متدین و عزتمند ایرانی را هراسناک کرده و وی را نسبت به ضرورت امحای «جا پاهای دشمن» در وطنش مجاب می‌سازد.

بیانات روشنگر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی راجع به وجود برخی مطبوعات به عنوان پایگاه دشمن در کشور از این لحاظ واجد اهمیت وصف ناپذیر است.

زیرا ملتی که گوهرگرانیهای انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را در ازای نثار بهترین سرمایه‌ها و ذخیره‌هایش صیانت کرده و با تمام وجود از حیثیت و استقلال و عزت کشور اسلامی در مقابل تهدیدات متنوع و مکرر بدخواهان و حسودان و طمع ورزان جهانی به دفاع برخاست، در

منطقی‌ترین حالت نمی‌تواند همنشینی با پیاده نظام دشمن را در کشورش تاب بیاورد.

اما چرا بعضی مطبوعات را «پایگاه داخلی دشمن» می‌دانیم؟ اگرچه پاسخ به این پرسش را می‌توان از طریق روش‌های ذهنی هم داد ولی بهترین پاسخ افشای رابطه و «صمیمیت سیاسی» بین این دسته از نشریات با محافل استکباری و ضدانقلابی فعال در خارج از کشور است.

در این نوشتار بر آنیم تا گوشه‌ای از تعامل مطبوعاتی و سیاسی محافل و کانون‌های ضدانقلابی و ضدایرانی خارج را با یک طیف مطبوعاتی داخلی مرور کنیم تا از این رهگذر رابطه شگفت‌انگیز و تأسف زای قرارگاه عملیاتی دشمن استکباری در آمریکا و اروپا با پایگاه‌های داخلی‌اش برملا شود.

بررسی اجمالی مطالب و مندرجات در نشریه ضدانقلابی نیمروز و کیهان چاپ لندن (نشریه سلطنت طلبان) و دیگر منابع همسو می‌تواند در شناخت چنین پدیده هولناکی در عرصه فرهنگی و تبلیغاتی کشورمان مفید باشد.

هفته نامه ضدانقلابی نیمروز - چاپ لندن - در شماره ۵۵۰ خود (شهریور ۷۸) در حالی که از روند رو به گسترش هتک برخی شخصیت‌ها و نهادهای انقلابی و مردمی نظام توسط عوامل مزدور داخلی به وجد آمده، در تابلوی صفحه نخست خود نوشت: «مدرسه حقانی در قم، وزیر اطلاعات و افراد ویژه تربیت می‌کند»!

بارجوع به اصل مطلب در صفحه ۲۵ این نشریه ضد انقلابی، باحیرت، مقاله‌ای طولانی از روزنامه زنجیره‌ای نشاط رامشاهده می‌کنید که طی آن آیت الله مصباح یزدی به عنوان متولی تئوریزه کردن خشونت در کشور و آموزگار آقایان روح‌الله حسینیان، علی فلاحیان، علی رازینی و محسنی اژه‌ای معرفی می‌شود. مردانی که به نوشته نشاط و به تأکید نیمروز با اصلاح طلبان میانه‌ای خوش ندارند! همچنین در این نشریه مطلب دنباله داری برای پاسخگویی يك عنصر فراری (باقر مومنی) به مطالب افشاگرایانه روزنامه کیهان در ستون «نیمه پنهان» اختصاص یافته و در کنار آن فریدون گیلانی - يك ضد انقلاب با سابقه - طی مطلبی از نویسندگان مطبوعاتی که در حادثه کوی دانشگاه، اغتشاش‌گران را اصلاح‌طلب و بسیجیان را شبه نظامیان سرکوبگر خوانده بود به عنوان «قلم‌های رزمنده» نام برد و در همین زمینه از این سخن رئیس جمهوری که «تا وقتی بسیج هست ما از سرنوشت انقلاب نگران نیستیم» ابراز تعجب می‌کند.

نیمروز در شماره مذکور همچنین با آوردن اخباری به نقل از روزنامه‌های زنجیره‌ای و محفلی، در سه مورد مطالب صبح امروز علیه کیهان و آیت الله مصباح یزدی را بازتاب داده و از قول سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نوشته است: جبهه خشونت و انحصار در صدد قبضه کامل مجلس ششم است!

کیهان سلطنت طلب چاپ لندن در شماره ۷۹۲ مورخ ۱۴/۱۱/۷۸

ضمن اختصاص تیر اول خود به مطلبی از عباس عبدی که در ماهنامه گزارش به چاپ رسیده بود، نوشت: «او (عبدی) صراحتاً اعلام کرد که من معتقدم هاشمی از جریان قتل‌ها اطلاع داشته اما مخالفتی نمی‌کرده است.»

هفته‌نامه ضدانقلابی کیهان لندن در همین شماره خود با تمسک به روزنامه «آزاد» از قول محسن آرمین (عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) نوشت: ماجرای کرباسچی از زندان تا آزادی، یک سناریوی سیاسی است، و درجایی دیگر با نقل مطلبی از علیرضا نوری زاده - ضدانقلاب فراری - عصبانیت وی را نسبت به افشاگری روزنامه کیهان و جمهوری اسلامی مبنی بر ارتباط او با بیت منتظری منعکس ساخت.

این کارشناس رادیواسرائیل با ابراز خرسندی از واکنش عمادالدین باقی علیه افشاگرایانه روزنامه کیهان سعی کرد تا با کمک این عنصر دروغپرداز که سوابق همراهی‌اش با باند مهدی هاشمی جنایتکار قابل انکار نیست، روشنگری کیهان را به «محفل خود سر وزارت اطلاعات» ربط داده و از این طریق اصل ارتباط مشکوک یک جریان سیاسی داخلی با منابع سیاسی بیگانه را به حاشیه براند. چنانچه ابراز دلواپسی همین نشریه از اظهارات هشدارگونه سردار رحیم صفوی را درباره نفوذ جاسوس‌های آمریکائی و انگلیسی در برخی رده‌های سیاسی نظام نیز باید از همین جنس دانست.

در این زمینه ورق پاره سلطنت طلب‌های فراری با استناد

به مطلب چاپ شده عمادالدین باقی در روزنامه زنجیره‌ای عصر آزادگان نتیجه گرفت که: «مرگ سعیدی سیرجانی نمونه‌ای از ارتباط کیهان با قتل‌های زنجیره‌ای است!»

بهره برداری نشریات ضدانقلابی چاپ خارج از قلم‌های مزدور داخلی بسیار ناشیانه بوده و گردانندگان آن‌ها هیچ توجهی به مستند یا واهی بودن مدعیات عناصر خود فروخته داخلی خود نداشتند. کسی مثل باقی که با همه ظرفیت داستان‌سرایی و دروغبافی‌اش به عرصه متهم کردن یاران انقلاب و نظام به قتل و آدم‌کشی وارد شده بود تنها وقتی خود را در برابر قاضی شعبه ۱۴۱۰ دادگستری تهران دید، دریافت که باید برای خیالبافی‌های خود دلیل و مدرکی فراهم آورد!

او در عصر آزادگان در اوج بی‌مسئولیتی سیاسی، نظام را به قتل منتقدان و اقلیت‌های مذهبی متهم ساخت و تمام افتخارات و توفیقات امنیتی و اطلاعاتی جمعیت اسلامی را مصنوعی و «اجرای نمایش ساختگی» معرفی کرد. نیمروز نیز در راستای دلگرم کردن عناصر داخلی‌اش به استمرار توجه اربابان خارجی‌شان به آن‌ها در صفحه ۲۲ شماره ۵۵۱ خود با درج مطلب کامل یکی از روزنامه‌های محفلی چاپ داخل تحت عنوان «هویت کیهان، سعید امامی و سعیدی سیرجانی» تلاش کرد تا به بقایای باند هاشمی بفهماند که اقدام علیه روزنامه کیهان از طریق نشر اکاذیب، تهمت و تحریف مورد تأیید مرکز فرماندهی در خارج است و آنان می‌توانند با امید و

توان بیشتری، کانون‌های مدافع جمهوری اسلامی را در ایران، هدف‌کینه‌های گذشته خویش قرار دهند.

این شماره از نشریه ضدانقلابی مورد بحث همچنین اظهار نظر يك عنصر داخلی با سوابق مشخص را راجع به سلمان رشدی که در روزنامه خرداد درج شده بود، منطبق با آرزوهای ضدایرانی خود دید و به نقل از سیدحسین موسوی تبریزی نوشت: «هدف از فتوای امام خمینی کشتن سلمان رشدی نبود!»

این روزنامه ضمن انعکاس مواضع «هاشم آغاچری» علیه آیت الله یزدی که با روزنامه خرداد مصاحبه کرده بود و نیز با استناد به مقاله نعمت احمدی در نشاط علیه قاضی سعید مرتضوی، به لجن پراکنی دست زد و با اشاره به مطالبی از دو هفته نامه عصرما (ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) و روزنامه صبح امروز، آیت‌اله مصباح یزدی را همنوا با سعید اسلامی و عامل تحریک به خشونت معرفی نمود. نیمروز علاوه بر این‌ها يك مقاله ضددینی روزنامه صبح امروز را تحت عنوان «دو خط موازی يك دیگر را قطع نمی‌کند مگر خدا بخواهد» - که آرامش مردم متدین کشورمان را بر هم زده بود - به چاپ رساند و طی آن برخورد دستگاه قضائی با عاملان درج مقاله مذکور را صرفاً به علت وقوع این مسئله در زمان مدیریت آیت الله یزدی وانمود کرد.

در شماره ۵۷۳ این نشریه نیز مطلبی از عمادالدین باقی

- از مرتبطان با گروه آدمکش مهدی هاشمی معدوم - به چاپ رسید که در آن شهادت لاجوردی و صیاد شیرازی را در کنار ۲۰ مورد از قتل‌هایی که طی ده سال گذشته رخ داده بود به باند سعید امامی منسوب دانست و بدین سان به این گمانه ساختگی و باطل دامن زد که هیچکدام از وقایع ضد امنیتی در ایران ارتباطی با عملیات براندازی استکبار و صهیونیست ندارد!

نشریه ضدانقلابی نیمروز چاپ لندن در شماره ۵۷۳ مطلبی از روزنامه زنجیره ای فتح در نقد اظهارات ابوالقاسم سرحدی زاده - نماینده اصولگرای مردم تهران در مجلس شورای اسلامی - مورد توجه قرار داد. سرحدی زاده گفته بود «عده‌ای که فکر می‌کنند در مجلس جدید ششم رابطه با آمریکا بررسی خواهد شد باید این آرزو را به گور ببرند و اگر کسی نمی‌تواند مقدسات ما را قبول کند از این کشور برود» و فتح نیز در پاسخ وی در قیاسی مع الفارق و مضحك نوشت : «محمد رضا شاه معدود هم می‌خواست هر که حزب رستاخیز را قبول نداشته باشد و از این کشور برود!» در راستای اقدام فتح، نیمروز در همان شماره از قول يك ضدانقلاب فراری (محسن کردی) نوشت : جمعیت اسلامی در نتیجه برقراری روابط با آمریکا از ثبات کم نظیری برخوردار خواهد شد!

در حالی که روزنامه فتح در پاسخ به سخنان انقلابی سرحدی زاده به بهانه ضرورت «نگهداری اندیشمند و سرمایه‌دار ملی» از طرفداران رابطه با آمریکا که مقدسات ما را قبول

ندارند حمایت می کرد، نیمروز ضدانقلابی به نقل از همان عنصر فراری تصریح کرد: «دلم خنک شد از این که فرستادگان جمهوری اسلامی در يك کنفرانس علمی، هنگام ورود به مرز هوایی آمریکا، انگشت نگاری و عکسبرداری شدند و طعم تحقیر تابعیت جمهوری اسلامی داشتن را چشیدند»؟!

شاید نظیر مواضع خائنانه همین نوع از روزنامه‌های داخلی سبب شد تا هوشنگ امیر احمدی - دلال ناکام رابطه تهران و واشنگتن - طی برنامه‌ای در رادیو ضدانقلابی «ایران - لس آنجلس» مدعی شود: «نیروی در داخل جمهوری اسلامی پیدا شده است که دارد عاشق آمریکامی شود»!

نشریه نیمروز در شماره ۵۷۴ پس از آن که به نقل از روزنامه مشارکت و با اشاره به اثری از عباس عبدی می‌نویسد: «مگر روزنامه نگاران و اهل قلم حیثیت انسانی ندارند» از قول پسرشاه خائن (رضا ربیع پهلوی!) این پرسش را مطرح می‌کند: «چطور ممکن است کوچکترین پیشرفتی در جهت جامعه مدنی صورت پذیرد وقتی قانون اساسی نظام طبق اصل ۲۴ به ظاهر مدافع آزادی نشریات و مطبوعات بوده، مگر آن که مخل به مبانی اسلام باشد»؟

چنانچه ملاحظه شد جریان داخلی و خارجی در يك همسویی بدون رودربایستی، خواستار نگاهی فرادینی و فرا مذهبی نسبت به روزنامه نگاران متخلف شده و مراعات موازین شریعت در این زمینه را مانع پیشرفت و رشد معرفی

می‌کنند!

همین آقا پسر شاهزاده ! جهت ارائه نمونه‌ای از سختگیری دینی نظام اسلامی ایران طی سخنرانی در دانشگاه «جورج تاون» چنین ادعا کرد: «بنا به گفته يك استاد سابق زبان انگلیسی در دانشگاه تهران خانمی به جرم خنده آن‌هم از نوع نخودی آن مورد کيفر قرار گرفت»!

نیمروز با پیگیری همین سناریو در شماره بعدی خود (۵۷۵) در تاریخ ۲۹ بهمن ۷۸ ضمن تصویریک نوجوان محصل هوادار حزب مشارکت که تعدادی از تراکت‌های تبلیغاتی این حزب را بر سر و صورتش نصب کرده بود با شادمانی نوشت: «در ایران اسلام زده ! این دوره از انتخابات يك شگفتی به همراه داشت. نامی از اسلام در هیچیک از تراکت‌های تبلیغاتی از سوی هیچکدام از گروه‌ها دیده نمی‌شد. هرچه شعار بود با ایران همراه بود و مشخص‌ترین آن‌ها، ایران برای همه ایرانیان بود که از سوی جبهه مشارکت عنوان می‌شد!»

در همین شماره از نشریه مذکور فهرست کامل نامزدهای جبهه مشارکت در تهران به چاپ رسید.

نیمروز شماره ۵۷۶ مورخ ۲۶/۱/۷۸ نیز ضمن ارائه گزارشی مفصل مربوط به انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی نوشت: «خانم امانپور گزارشگر سی.ان.ان که روسری خود را در برابر دوربین تلویزیون از سر بر می‌داشت گفت فضای سیاسی جامعه ایران مبین وجود

امیدواری نزد هواداران تعمیق اصلاحات سیاسی و اجتماعی به پیروزی درانتخابات امروز پارلمان است.

این نشریه ضدانقلابی چاپ لندن همچنین با حضور با شکوه مردم متدین و انقلابی کشورمان در انتخابات مجلس را «قیام مردم علیه ظلم ۲۱ ساله جمهوری اسلامی» عنوان کرد و برای مستند سازی مدعای خنده دار خود به مطلبی از مجله «پیام امروز» - چاپ داخل - درباره قتل فریدون فرخزاد به دست «مأموران جمهوری اسلامی! متوسل شد.

نیمروز شماره ۵۷۷ نیز ضمن آن که همچون شماره های قبلی خبرانتشار ترجمه فارسی آیه های شیطانی سلمان رشدی را درج کرده بود به نقل از داریوش همایون برضد آنچه که مافیای حزب الله می نامید، لجن پراکنی نمود و به طیف پیروز در انتخابات مجلس توصیه کرد مبادا با رها ساختن پروژه سرکوب حزب الله مردم! را سرخورده و بی بهره نماید.

همین نشریه در شماره مورد اشاره، مطالب مستند و افشاگرانه روزنامه کیهان درباره عناصر بدسابقه ای که در صدد رخنه در بدنه مراکز برنامه ریزی و تصمیم گیری نظام هستند را به «لجن کشیدن افراد» ارزیابی کرده و طی آن درج مصاحبه رسول مهربان - عضو کمیته مرکزی حزب ایران - در کیهان را بدون ذکر کمترین منطق و استدلالی در راستای «مظلوم نمایی جمهوری اسلامی و خائن جلوه دادن همه افراد» دانست! در این شماره از نیمروز هم مطلبی از اکبر گنجی که

محصول گفتگوی وی با صبح امروز بود به چاپ رسیده تا از این طریق القائنات ضدانقلاب فراری - علیرضا نوری زاده - به عناصر خود فروخته داخلی را درباره نقش جمهوری اسلامی در قتل ناراضیان و مخالفان داخلی بازتاب دهد. به ویژه آن که ترجیع بند این داستان سرائی‌ها اثبات مقصر بودن هاشمی رفسنجانی در قضایای مربوط به قتل‌های زنجیره‌ای بود و نیمروز نیز برای تقویت این گمان کودکانه به کمک جریان وابسته به خود در داخل شتافت و با چیدن مطالبی از این نوع در کنار یکدیگر، به نقل از روزنامه فتح نظام را به «پی ریزی استبدادی از نوع دیگر» متهم نمود و به طرزی رندانه از قول کرباسچی نوشت: «رعایت مصالح نظام هاشمی را وادار به سکوت می‌کند»!

این همه تلاش حساب شده و زیرکانه از سوی مراکز فرماندهی پایگاه‌های داخلی دشمن را نمی‌توان اتفاقی دانست. بلکه باید آن را در راستای پروژه «قانون اساسی، آری ولایت فقیه نه» که محصول هم اندیشی اعضای کمیته مرکزی حزب توده در پلنوم بیستم در سال ۶۸ بوده - ارزیابی کرد و این گفته «هنری پرکت» مسئول سابق میز ایران در وزارت خارجه آمریکا را به یاد آورد که گفته بود: «اگر موجی که در مطبوعات اصلاح طلب ایران با تز امکان ارتباط با آمریکا شروع شد و حالا به تردید در اساسی‌ترین وجوه انقلاب اسلامی مشغول است، بتواند از حریم روحانیت عبور کند و از آن طریق، ولایت

فقیه را برکشتی تردید سوار کند و بار سنگینی ازدوش آمریکا برداشته خواهد شد.»

بی‌گمان چنین راهبردی (ضرورت حذف نظام ولایی برای استقرار حکومتی مردم سالار!) طی سال‌های گذشته در خلوتکده‌های آدم‌های وطن‌فروش داخلی و نمایندگان نظام استکباری دنیا، مطرح شد و الا چه دلیلی داشت که اندکی پس از ملاقات و مذاکرات عباس عبدی با جاسوس سفارت سابق ایالات متحده در تهران «نفی حکومت پدرسالار» ورد زبان نویسنده روزنامه تعطیل شده سلام شود.

نکته جالبی که از محل بررسی مطالب ارگان سلطنت طلب‌های فراری (کیهان لندن) به دست می‌آید، نقش علیرضا نوری زاده در سامان دادن به ذهنیت‌های باطلی علیه نظام است که با درج آن‌ها در یک ستون ویژه که هر شماره از نشریه مذکور، در واقع از آستین کوتاه گنجی و باقی، دست‌های درازی را بیرون می‌کشد تا آن «دروغ‌های ساخت لندن» را به عنوان افشاگری گنجی و باقی وارد تهران کند!

این ستون با عنوان «یک هفته با خبر» همواره مملو است از اخبار گمراه‌کننده‌ای که می‌تواند داستان سرایانی مثل گنجی را مقهور خویش سازد. چنانچه دقت شود این واقعیت رخ می‌نماید که «موادخام» مطالب جنجالی گنجی و باقی عمدتاً همان دروغ‌هایی است که نوری زاده از طریق کیهان لندن، الوطن، الشرق الاوسط، الحیات و رادیو اسرائیل آن را

منتشر می‌کند.

بی جهت نیست که علیرضانوری زاده هربار که دست به قلم می‌برد، ادب استادی را رعایت کرده و یادی از این دو شاگردش می‌کند! بلکه اطلاعات ناقص آن‌ها را در پوشش نقل مطالب آن‌ها از روزنامه‌های ایران، با دروغ‌های بیشتری کامل می‌کند.

فهرست کامل دروغ پراکنی استاد لندن نشین برخی قلم به‌دستان مزدور، گاهی مطالب لطیفه‌مانندی را در خود جای داده که عدم اشاره شاگردان وطنی نوری‌زاده به آن‌ها - که معمولاً با اطوار آدم‌های بردبار می‌نویسند «مطالب بیشتری هم در این زمینه وجود دارد که از بیان آن صرف‌نظر می‌کنم» ناشی از شدت دروغ بودن آن‌هاست و الا عطش کسانی مثل باقی و گنجی برای به پا کردن قشقرق علیه هر آنچه که آقای نوری‌زاده نمی‌پسندد به این سادگی‌ها پایان پذیر نیست.

گنجی که توانمندی خود را برای تضعیف ارزش‌های دینی و انقلابی‌مدیون افراط‌کاری‌های سالهای نخستین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در دفاع از ارزش‌های مذکور است! پس از انجام فعالیت وسیعی در جهت لجن‌مال‌کردن شخصیت‌ها و نهادهای انقلابی و ارزشی کشور، با داستان‌سرایی‌های دیگری خود را در معرض تهدید به مرگ جلوه داد و مدعی شد از طریق «برخی منابع موثق» فهمید که برخی محفل‌نشینان تصمیم گرفتند او را با ضربه‌های چاقو یا کارد از پای در آورند!!

شاید به خاطر همین خیالبافی‌ها و کذب‌گویی‌ها بود که نشریه سلطنت طلب چاپ لندن اظهار نظر سخنگوی وزارت خارجه کشورمان را مبنی بر مردود دانستن اتهام نقض حقوق بشر در ایران را به تمسخر گرفت و برای تأکید بوجود این «نقض» از اکبر گنجی مطلبی را با این عنوان تثیر کرد:

«نیازی باید در مورد مرگ احمد خمینی توضیح دهد!»
 بنا بر این باید پذیرفت برخی مطبوعات کشورمان عملاً به پایگاه‌هایی برای دشمنان استکباری تبدیل شده بودند که مأموریت اصلی‌شان توجیه ذلت‌پذیری و تسلط خارجی بود!»
 آیا اگر نشریه «راه نو» در تاریخ ۷۷/۵/۳ نمی‌نوشت که «حکومت ولایی باحکومت جمهوری در تعارض است» و «پیام هاجر» نیز تصریح نمی‌کرد که «جامعه ولایی، انحصارگر و مستبد است» و روزنامه همشهری مورخ ۷۷/۶/۱۹ ولایت فقیه را حکومت توتالیتر و ضد مردمی معرفی نمی‌نمود و هفته نامه آبان نیز در تاریخ ۷۷/۵/۱۰ تأکید نمی‌کرد که «ولایت فقیه، یعنی خودکامگی» نویسنده کیهان سلطنت طلب چاپ لندن می‌توانست با شادی وصف ناپذیری در شماره مورخ ۷۷/۸/۷ این هفته نامه ضد انقلابی بنویسد: بی‌تعارف بگویم حظ می‌کنم از فراست و شهامت این بچه‌های مطبوعاتی مقیم ایران که سفت و سخت در برابر ارتجاع و استبداد ایستاده‌اند؟!»

«راه نو» چاپ آلمان در شماره ۶۲ خود تصریح کرد: «خواندنی‌ترین مقالات که در نشریات خارج از کشور منتشر

می‌شود همان مقالات و یا گزارش‌هایی است که از مطبوعات داخل کشور می‌گیرند و منتقل می‌کنند ... مثلاً همین مقاله اخیر خانم مهرانگیز کار که در آخرین شماره کیهان لندن (سلطنت طلب) چاپ شده است!!

همین نشریه ضمن تجلیل از عباس عبدی می‌افزاید: «این آقای عبدی، سردبیر سابق روزنامه سلام در تفسیرهایی که می‌نویسد ... نگاه او نگاه خوبی است که رشد کرده و جلو آمده و شاید از من و شما هم مسایل امروز ایران را بیشتر می‌فهمد»

نیمروز در شماره ۵۷۸ خود به نقل از اکبر گنجی نوشت: «دادگاه ویژه روحانیت انشاءالله توسط مجلس ششم منحل خواهد شد»! انحلال این نهاد انقلابی آرزوی دیرینه سازمان سیا و شورای روابط خارجی آمریکا است که در پوشش اصلاح طلبی پی گرفته می‌شود.

شاید همین خوش رقصی‌ها و بدمستی‌ها، کام مقامات کاخ سفید را شیرین کرد که در نتیجه آن روزنامه «لوس آنجلس تایمز» نوشت به دنبال پیروزی عظیم اصلاح طلبان در انتخابات ماه گذشته مجلس ایران، ایالات متحده با کاهش تحریم‌های اقتصادی ایران فاصله‌ای ندارد» بیش از یک سال پیش نیز نشریه راه نو - متعلق به اکبر گنجی - در شماره مورخ ۷۷/۵/۳ نوشته بود: «راه حل مشکلات کشور در گرو رابطه با آمریکاست»!

«کنت تیمرمن» از کارشناسان خبره امور ایران در سازمان سیا - نیز در همین سال ۷۷ ضمن شرکت در میز

گردی تصریح کرده بود: «برقراری روابط (واشنگتن - تهران) به معنای ختم انقلاب است»

در ماه آخرین سال گذشته مسعود ایلماز نخست وزیر قبلی ترکیه - هم در اظهاراتی گستاخانه گفت: «حکومت ملایان که ۲۰ سال پیش درایران برپا گردید، با برگزاری انتخابات اخیر (مجلس ششم) به آستانه فروپاشی رسیده و مانند هر رژیم ظالم تاریخ بالاخره متلاشی خواهد شد!» چه می شود کرد، از قدیم گفته اند در حوضی که ماهی نیست قورباغه سپهسالار است.

با این وضعیت، علت نرمش بی حساب و کتاب برخی عناصر خودی و خوش سابقه در برابر جریان های برانداز و اصرار بر ایجاد ارتباط گفتمانی با آنها خیلی واضح نیست. نیمروز در شماره ۵۷۹ مورخ ۲۷ اسفند ۷۸ با استقبال از چنین روندی ضمن اشاره به ترور سعید حجاریان و سابقه رفت و آمد وی به اروپا مدعی شد: «سعید حجاریان در دوران اقامت در خارج، باب گفت و گوی مکاتباتی با اپوزیسیون (ضدانقلاب) را از طریق نوشتن در نیمروز با نام مستعار نادر صدیقی آغاز کرد و چند مقاله در باب آزادی اسلامی در این روزنامه نوشت و سپس در پی سکوتی چند ماهه نام دیگری برای خود برگزید و دو مقاله دیگر نیز در گفت و گو با اپوزیسیون در همین نیمروز منتشر ساخت!»

همه این تقلاها باهدف تخدیش اعتبارنظام صورت

می‌گیرد.

نشریه سلطنت طلبان چاپ لندن در شماره ۷۹۴ - ۷۷/۱۱/۲۱ با آوردن تیتر «فهرست طولانی قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای» در صفحه نخست خود از عمادالدین باقی به عنوان «روزنامه نگاری که دوش به دوش اکبرگنجی مسئله قتل‌های زنجیره‌ای را دنبال می‌کند» یاد کرده و به نقل از وی (منتشره در روزنامه فتح مورخ ۷۷/۱۱/۱۰ فهرست بلندی از اموات و مقتولانی که طی دهه گذشته جان خود را از دست داده بودند را اسرار آمیز و در راستای قتل‌های زنجیره‌ای و «قتل‌های سیاسی» جلوه داد. به طوری که در مورد سعیدی سیرجانی عنوان «قتل» به کار رفته شده و در موردی دیگر قتل شخصی در کراچی پاکستان در شمار این فهرست آورده شده است!

در موارد متعدد دیگر نیز چنین وانمود شد که گویا مقتولان به علت سنی مذهب بودن و داشتن دیدگاه‌های خاص سیاسی و مذهبی مورد غضب «جغدهای مافیا»! قرار گرفتند. این مطلب با عنوان «رمزگشایی جعبه سیاه قتل‌های زنجیره‌ای» به چاپ رسیده بود و بعدها معلوم شد که رئیس جمهور طی نامه‌ای به وزیر اطلاعات از نادرستی مطالب مورد ادعای باقی پرده برداشته و نارضایتی خود را از تحرکاتی نظیر آن اعلام کرد.

نشریه مذکور در همین شماره خود با انتشار مجدد مطلب فتح ۷۸/۱/۶ به قلم اکبر گنجی درباره جنگ ایران و عراق، پرخاشگری این شخص - که به تعبیر بهروز افخمی

«بچه شلوغ بی احتیاط» (بلکه بی ادب و منطق گریز) است -
 را علیه مدیریت هاشمی رفسنجانی در جنگ مورد استقبال
 قرار داد و پس از کلی فحاشی و ناراست گویی‌های آزادانه از
 قول گنجی نوشت :

گفتگوی انتقادی با رفسنجانی «بازی با مرگ» است!

علیرضا نوری زاده - ضدانقلاب فراری مقیم لندن -
 طی مطلبی در کیهان سلطنت طلب شماره ۷۹۸ در ادامه
 مأموریت خود برای پشتیبانی از قلم به دست‌های جاهل یا
 مزدور داخلی نوشت : «آن‌ها که همچون گنجی و باقی و
 قوچانی و ابراهیم نبوی چراغ حقیقت یاب به دست گرفته‌اند،
 بدون شك جایگاه ویژه‌ای در تاریخ مبارات مردم ایران علیه
 استبداد سیاه دینی، نصیب خود کرده‌اند!»

نشریه سلطنت طلبان چاپ لندن در معرفی «محمد قوچانی»
 نویسنده برخی روزنامه‌های زنجیره‌ای ضمن چاپ مطلبی از
 وی می‌نویسد : هرچند که در جمهوری اسلامی رشد کرده، و
 لیکن به دیدگاه‌هایی رسیده‌اند که با آنچه ارزش‌های اسلام
 و انقلاب قلمداد می‌گردد، همواره همخوانی ندارد و حتی گهگاه
 با آن چنان مغایر است که مایه خشم بلند پایگان رژیم می‌گردد!
 تحرکات این مزدوران علیه «اعتبار نظام» همواره با ادعای
 ایشان در طرفداری از رئیس جمهور در تضاد بود.

نشریه سلطنت طلبان در شماره ۷۹۴ از قول رضا ربیع
 پهلوی (یکی از بقایای رژیم خائن شاه) نوشت : «اشتباه

نکنیم، خاتمی پایان نظام را نمی‌خواهد بلکه تلاش او در جهت طولانی کردن عمر این نظام است» پس مانده خاندان سلطنتی پهلوی شاید با این ذهنیت که کسانی مثل گنجی و باقی حقیقتاً هوادار و حامی خاتمی هستند می‌افزاید که او (خاتمی) متعهد به ایدئولوژی است که حتی کسانی که به وی رأی دادند سخت مخالف‌اند!

دلجویی مهرآمیز علی‌رضا نوری زاده - ضدانقلاب لندن
 نشین - از اکبر گنجی و عمادالدین باقی که در شماره ۷۹۵ کیهان سلطنت طلب از این دو نفر به عنوان «نویسندگان شجاع و آگاه» نام برده به خوبی نشان می‌دهد که منظور آن شاهزاده فلك زده از «کسانی که به وی (خاتمی) رأی دادند» چه قماش افرادی است!

«رابرت فیسک» روزنامه نگار ایندیپندنت - چاپ لندن - با اشاره به پدیده موهومی به نام «کمیته مرگ» عین مطالب گنجی و باقی را در مورد فهرست قاتلان! و مقتولان! مرور کرد و نوشت: به گفته گنجی ۹۰ تا ۱۰۰ نفر به دستور این کمیته به قتل رسیده‌اند!

کلیدداران اطلاع رسانی ضدانقلابی به سرکردگی علی‌رضا نوری زاده و سرسپردگی چند قلم به دست مزدور یا جاهل داخلی طی دو سال اخیر چنان درهم تنیدند که شبکه مخوفی را جهت انهدام نظام ولایی و استقرار رژیم سکولار و لاییک تشکیل دادند، نوری زاده به همین خاطر نگران سلامتی

سربازان پیاده نظامش در ایران است وی در شماره ۸۰۰ نشریه سلطنت طلبان می‌نویسد: «قرار بود بلافاصله پس از ترور حجاریان ... اکبر گنجی، عمادالدین باقی و عباس عبدی به قتل برسند!»

ارکستر «تیم نوری زاده» که نماینده رسمی دشمنی‌های جهان استکبار با جمهوری اسلامی ایران و نماد طمع ورزان به منابع و ذخایر ارزشمند کشور عزیزمان هستند - تلاش می‌کنند تا در هیئت «زاپاتا‌های وطنی» به طرزی ماهرانه دست به تشویش و شورش در کشور بزنند و آنگاه در پناه فضایی مه‌آلود، طی سلسله عملیات‌های تبلیغی و روانی دستاوردهای ارزشی و ملی انقلاب اسلامی مثل استقلال، امنیت وحدت ملی، آزادی، اصلاحگرایی اسلامی، پیشرفت علمی و مادی و ... را به ضد ارزش‌هایی نظیر وابستگی به غرب، استبداد مدرنیته، بی‌ثباتی داخلی اصلاحگرایی آمریکائی و عقب ماندگی در ابعاد مختل و ... تبدیل نمایند. اما هژمونی بی‌پایان این تیم بی‌نوا و جیره خوار تا کنون به علت بالا بودن ضریب هوشیاری، دشمن شناسی و دینمداری ملت ایران به نتیجه مطلوب نرسیده است.

با این توضیحات باید اقدام نظام در جهت برچیدن پایگاه‌های دشمن از محل جغرافیائی، سیاسی و عقیدتی خود را حرکتی در راستای قاعده حقوقی «دفاع مشروع از خود» و امری منطقی و تحسین برانگیز دانست.

کیهان ۲۰ می ۲۰۰۰

نوری زاده و منتظری

روی موج آلمان

روزنامه آلمانی فرانکفورتر آلمانیه نام آقای منتظری را به ضمیمه عکس وی، در صفحه اول خود با چاپ رساند.

رادیو بی بی سی در گزارشی از آلمان با اشاره به چاپ عکس از آقای منتظری در صفحه اول فرانکفورتر آلمانیه گفت: در این نامه آقای منتظری گفته است که عملکرد پاره‌ای از حکام و مدعیان دینداری را از حساب اسلام جدا کنید.

گفتنی است حضرت امام (ره) در نامه معروف ۶۸۱۸ خود به آقای منتظری تأکید کرده بودند « از آنجا که روشن شده است شما در این کشور و انقلاب اسلامی مردم پس از من به دست لیبرال‌ها و ازکانال آن‌ها به منافقین می‌سپارید صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید.»

یکی از عناصر فراری ضدانقلاب به نام نوید کرمانی که در برگزاری کنفرانس برلین نقش داشت، در روزنامه فرانکفورتر آلمانیه فعالیت می‌کند و خبرنگار امور ایران در روزنامه مذکور است، وی ارتباطات نزدیکی با علیرضا نوری زاده (جاسوس صهیونیستها و از عوامل سفارت سابق آمریکا

در تهران) دارد و مطالب زیادی علیه جمهوری اسلامی به چاپ رسانده است.

کتایون امیرپور همسر کرمانی نیز مسئول امور ایران در روزنامه «زود دویچه سایتونگ» است که مطالب ضدانقلابی مشابهی را به چاپ رسانده است. وی نیز در تدارك کنفرانس برلین نقش جدی داشت این دو به همراه «احمد طاهری» از گزارشگران روزنامه فرانکفورتر روندشاو» و مجری برنامه‌های کنفرانس برلین، از عوامل اجرایی شبکه تبلیغی روانی نوری زاده در به راه انداختن تبلیغات ضدنظام جمهوری اسلامی ایران هستند.

«نوری زاده» کارشناس رادیو رژیم صهیونیستی پیش از این از مصاحبه رسانه های انگلیسی با آقای منتظری تمجید کرده و درنامه تحریک آمیزی به فرزند وی از او خواسته بود اظهارات و موضعگیری‌های پدرش را برای انتشار در برخی رسانه های غربی و انگلیسی برای او ارسال کند.

کیهان ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۰

کارشناس رادیواسرائیل : عملکرد امروز خبرگزاری نتیجه ۳ سال تلاش ماست. کارشناس دیرینه رادیوصهیونیستی تصریح کرد تهاجم اخیر خبرگزاری و محافل پشت پرده آن علیه کیهان، حاصل سه سال کار ماست.

علی‌رضا نوری زاده که با تلویزیون ضدانقلابی ۲۴ ساعته لس آنجلس گفتگو می‌کرد در پاسخ به این سؤال مجری برنامه که «ارزیابی شما از این مافیای مطبوعاتی کیهان که دارد افشا می‌شود، چیست»، گفت: حداقل سه سال گذشته تلاش بسیاری می‌کردیم تا چهره برادر حسین توپ ساز و برادر حسن و دیگر برادران را که در کیهان جمع شدند، نشان دهیم و تلاش ما سرانجام به نتیجه رسید.

این رابط سفارت سابق آمریکا با حزب کودتاچی جنبش خلق مسلمان، افزود: مدیرمسئول کیهان و رئیس محفل رسانه‌ای جریان قتل‌های زنجیره‌ای بود همانطور که ابراهیم نبوی همکار روزنامه‌های نشاط و عصر آزادگان که چندی پیش کمک مالی دیدبان حقوق بشر را دریافت کرد مرتب در طنزهای خود می‌نوشت.

وی دریافت کنندگان پول از سازمان آمریکائی حقوق بشر طی چند سال اخیر را شخصیت‌های شایسته و مبارز معرفی کرد و گفت: کیهان در بحرانی تازه شماری از شخصیت‌های واقعاً مبارز و شایسته فرهنگی و روزنامه نگاران را به صرف این که از سوی بخش خاورمیانه‌ای دیدبان حقوق بشر به عنوان روزنامه نگاران و نویسندگان برجسته و مبارز و در مجموعه نویسندگان مبارز جهان نامزد شده‌اند تا جایزه بگیرند، به عنوان حقوق بگیر (خارجی) معرفی کرد.

کارشناس رادیو اسرائیل بدون اشاره به اسناد سازمان آمریکائی که از این مبلغ به عنوان کمک مالی - و نه جایزه - یاد کرده و هدف از پرداخت آن را تبلیغ علیه نظام اسلامی بیان داشته است در ادامه گفت:

به نظر من این (اقدام خبرگزاری) يك نقطه عطف خواهد بود به خصوص که همزمان با برگزاری نخستین کنگره حزب مشارکت - حزبی که به هر حال در مجلس اکثریت دارد - بود. وی درباره تشکیل جبهه مشارکت گفت: این اقدام، بسیار اقدام مناسبی بود و بجا می‌دانم و اعتقاد دارم این يك گام بسیار مهم است چون در جریان مطالبات و درگیری با رژیم، روزنامه‌ها تبدیل به حزب شدند.

کیهان چهارشنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۰

سکوت سنگین خبرگزاری در قبال اظهارات حمایت آمیز کارشناس رادیو اسرائیل

خبرگزاری جمهوری اسلامی و روزنامه‌های دولتی ایران خبر اظهارات تأییدآمیز کارشناس رادیو اسرائیل نسبت به عملکرد خود را مخابره و منعکس نکردند.

در حالی که تأیید عمل کرد اخیر خبرگزاری و تحرکات ضد اصولگرائی روزنامه دولتی وابسته به آن، از سوی محافل ضدانقلاب خارج از کشور و رسانه‌های بیگانه، بستر مناسبی جهت ارزیابی دقیق و واقع بینانه عمومی درباره درستی یا نادرستی رفتار این دو رسانه را فراهم ساخت.

خبرگزاری با در پیش گرفتن «سیاست سکوت» سعی دارد تا نقاط روشن و قابل ارزیابی پرونده عملکرد خود را از نظرگاه عمومی پنهان سازد.

علی‌رضا نوری‌زاده کارشناس ثابت رادیو رژیم صهیونیستی - و جاسوس آمریکائیها درگفت و گو با تلویزیون ۲۴ ساعته لس آنجلس با اعلام اینکه «تهاجم اخیر خبرگزاری و محافل پشت پرده آن علیه کیهان، حاصل سه سال کار ماست»

در پاسخ به این پرسش مجری برنامه که «ارزیابی شما از این مافیای مطبوعاتی کیهان که دارد افشا می شود چیست»، گفت: حداقل در سه سال گذشته تلاش بسیاری می کردیم تا چهره برادر حسین تواب ساز و برادر حسن و دیگر برادران را که در کیهان جمع شدند نشان دهیم و تلاش ما سرانجام به نتیجه رسید.

وی که رابط سفارت سابق آمریکا با حزب کودتای جنبش خلق مسلمان بود، افزود: مدیر مسئول کیهان رئیس محفل رسانه‌ای جریان قتل‌های زنجیره‌ای بود همانطور که ابراهیم نبوی مرتب در طنزهای خود می نوشت.

وی همچنین دریافت کنندگان پول از سازمان آمریکائی دیدبان حقوق بشر را طی سال‌های اخیر، از شخصیت‌های شایسته و مبارز دانست و در این زمینه گفت: کیهان در بحرانی تازه شماری از شخصیت‌های واقعاً مبارز و شایسته فرهنگی و روزنامه نگاران را به صرف اینکه از سوی بخش خاورمیانه‌ای دیدبان حقوق بشر به عنوان روزنامه نگاران و نویسندگان برجسته و مبارز و در مجموعه نویسندگان مبارز جهان نامزد شده‌اند تا جایزه بگیرند به عنوان (حقوق بگیر خارجی) معرفی کرد.

کارشناس رادیو اسرائیل اقدام خبرگزاری در مقابله با افشاکری کیهان را درباره وابستگی مالی تعدادی از مدعیان اصلاح طلبی، «یک نقطه عطف» ارزیابی کرد و همزمانی تحرك

خبرگزاری با برگزاری نخستین کنگره حزب دولتی مشارکت را مورد توجه قرار داد.

گفتنی است گزارش مستند دیروزکیهان درباره ماهیت آمریکائی و صهیونیستی سازمان دیدبان حقوق بشر نیز با سکوت خبرگزاری و عناصر دریافت کننده پول از آن سازمان مواجه شد.

کیهان ژوئن ۲۰۰۰

ردپای خط جدیدنفاق از روزنامه‌های زنجیره‌ای تادادگاه بلژیک

فردی مجهول الهویه که هنوز هویت او مشخص نیست علیه دولت جمهوری اسلامی در بلژیک شکایت می‌کند. آقای «ایکس» ضمن ادعای این مطلب که در ایران به خاطر داشتن عقیده سیاسی شکنجه شده، جمهوری اسلامی را متهم به جنایت، آدم ربائی و قتل کرده است. خلاصه شکایت او این است که: «جمهوری اسلامی طی ۲۱ سال گذشته همواره دست به نقض حقوق بشر زده و ریشه آن قانون اساسی و قوانین مبتنی بر شریعت است!»

دستگاه قضائی بلژیک همین ادعای نامه - و نه شکایت - را مورد توجه قرار داده و ضمن محکوم کردن رئیس جمهور سابق ایران، دستور جلب و توقیف او را به پلیس کشور خود و نیز به پلیس بین‌الملل می‌دهد. این آغاز سناریوی جدید علیه جمهوری اسلامی ایران است.

آقای «ایکس» که ادعایش مورد استقبال دستگاه قضائی بلژیک قرار گرفته تا جرأت به خرج داده و جسارتی این چنین را مرتکب شود کیست؟

فعلاً هویت او مشخص نیست اما يك چیز روشن است شکایت او پیش از آن که متوجه فردی بخصوص (حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی) یا نهادی خاص (دولت سابق) باشد، ادعای نامهای علیه اسلام و جمهوری اسلامی است. آن‌ها به بهانه دولت و رئیس جمهور اسلام را هدف قرار داده‌اند.

آقای «ایکس» آخرین حلقه و در واقع صرفاً يك «پیک عادی» است پیک چه چیزی؟ پیک «مدار شایعه» مداری که يك سر آن در داخل و سر دیگر آن در خارج است و سلسله آن را صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها می‌جنابند این ادعا در همین گزارش قابل اثبات است.

شایعه در مدار مذکور پخته می‌شود اما شروعی برای آن نمی‌توان پیدا کرد. یعنی شایعه در این مدار می‌چرخد گاه از داخل شروع شده و به خارج سرایت می‌کند و گاه بالعکس اما يك چیز روشن است. بسترسازی برای جاگیر شدن شایعه - در واقع اتهام علیه جمهوری اسلامی - در داخل انجام می‌شود.

از خارج شروع می‌کنیم. علی رضا نوری زاده و ابوالحسن بنی صدر دو محور آشکار شایعه سازی در خارج

هستند که در تماس و تعامل با برخی محافل داخلی فعالیت می‌کنند بقایای دفتر.

هماهنگی بنی‌صدر - جریان نفاق - هنوز هم فعال هستند و او را که بازیگری بیش در سناریوی جبهه استکبار نیست، مساعدت می‌کنند. این نقش از طریق نفوذ در مطبوعات و برخی نهادهای رسمی امکان‌پذیر می‌شود.

علی رضانوری زاده یکی از مهره‌هایی است که به همراه بنی‌صدر سوار بر امواج رسانه‌های بیگانه هرچند وقت يك بار از طریق رادیوهای آمریکا، رژیم صهیونیستی ایفای نقش می‌کنند. نوری زاده پیش از انقلاب در فلسطین اشغالی توسط صهیونیست‌ها تعلیم دید در دوران انقلاب و در زمان نخست‌وزیری بختیار، رابط ویژه نامبرده با سردبیران روزنامه‌ها بود و هم‌زمان با آمریکائی‌ها ارتباط داشت.

او اینک یکی از رابط‌های محافل ضدانقلاب داخلی و خارجی است. پس از انقلاب نیز با سفارت آمریکا در تهران و حزب خلق مسلمان ارتباط نزدیک داشت و طبق اسناد لانه جاسوسی در جلسات مشترک با بروس لینگن (کاردار واشنگتن) و باری روزن (وابسته مطبوعاتی) در سفارت شرکت می‌کرد. این دو اسم را در مورد تحریکات اخیر برخی تجدید نظرطلبان برای تماس‌گیری با آمریکائیها را در ذهن داشته باشید.

نوری زاده - به قول خودش - از ارادتمندان آقای منتظری شده است! او در مصاحبه با رادیو آلمان ضمن حمله

به حضرت امام، می‌گوید آقای منتظری با هزار اندوه زبان گشوده بود و در دفاع از اصول انقلاب! سخن می‌گفت. سی ام دی ماه سال جاری نامه نامبرده به آقای منتظری چاپ شد که طی آن ضمن ابراز محبت فراوان به این بیت و سلام رساندن و تجدید ارادت به ابوی آمده بود «لطف کنید مطالب مربوطه به آقا اظهارات و بیانیه‌های خودتان با اخوی سعید منتظری را سریعاً به دستم برسانید تا در رسانه‌های جهانی انعکاس پیدا کند.»

نامبرده که در گفتگو با رادیو آمریکا از آقای عبدالله نوری به عنوان فردی سربلند و روسفید و «کسی که فهمید شعارهای انقلاب برای ورود به هزاره سوم کارآمد نیست» یاد کرده بود در انجمن پژوهشگران ایرانی در لندن (۸ مهر ۷۷) گفته است «شاید بشود توسط مجلس خبرگان ولایت فقیه را به کلی حذف کرد!»

نوری زاده به دنبال لغو امتیاز روزنامه «جامعه» به همراه دیگر عناصر ضدانقلاب طی نامه مشترکی به موی رابینسون (رئیس کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل)، اقدام مذکور را نقض حقوق بشر معرفی و محکوم کرد. این حمایت از اولین روزنامه‌زنجیره‌ای را در ذهن داشته باشید. تا در ادامه گزارش مورد اشاره قرار گیرد.

او به دنبال مقاله «ع ب» علیه کیهان گفت: «وقتی دیدم «ع ب» در مقاله ای جواب کیهان را درباره عبدالله نوری داده و

از او دفاع کرده، دلم خنک شد!»!

«ع ب» کیست او یکی دیگر از مهره‌ها در مدار شایعه و اتهام است، هم اکنون به همراه «اکبرگاف» در سر دبیری فتح (جایگزین روزنامه خرداد) فعالیت می‌کند و به همراه آقای گاف در چند روزنامه زنجیره‌ای مطالبی را علیه نظام نهادهای قانونی و برخی شخصیت‌ها - از جمله هاشمی رفسنجانی - منتشر کرده است.

ع ب هم مانند نوری زاده از ارادتمندان آقای منتظری است چندان که طی مقاله ای در روزنامه تعطیل شده نشاط (خلف روزنامه‌های جامعه و توس و سلف عصرآزادگان) از عزل منتظری توسط شخص حضرت امام (ره) در سال ۶۸ به عنوان «خاموشی نوگرایی دینی» یاد کرد و در همان مقاله برخی گردانندگان روزنامه صبح امروز و عصر آزادگان و نیز «کتاب خانه سیاسی قم» را به عنوان کانون‌های نوگرایی دینی معرفی کرد.

جهت گیری کتاب‌خانه سیاسی قم چه بود؟ این مطلب را مهدی هاشمی معدوم (سردسته باند نفاق زده جنایتکاران و شایعه پراکنان) که خودگرداننده محفل بود توضیح می‌دهد. او که با اثبات اتهام‌های آدم ربائی و قتل در قبل و بعد از انقلاب، ارتباط با ساواک، جعل اسناد دولتی، شایعه پراکنی، و ایجاد جو نزاع و اختلاف بین مسئولان و ... به اعدام محکوم شد، با اعتراف به غرق شدن در جو عمل زدگی، تند روی تصریح

می‌کند که برای انحراف جریان روحانیت و مصادره آن به نفع جریان خود، خط مقابله با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم را در پیش گرفت.

او در یکی از این اعترافات که به تاریخ ۱۸ آذر ۶۵ منتشر شد با اشاره به تلاش برای ایجاد مدارس علمیه در همان جهت مذکور می‌گوید: «ما فکر کردیم باید مدیریت مدارس و کتابخانه سیاسی را در رابطه با بیت آیت‌الله منتظری ما هدایت کنیم ... ما آرمانمان این بود که این سیستم آلترناتیو شورای مدیریت حوزه علمیه قم بشود. البته برای این که به این فکر جامعه عمل بپوشانیم کلیه طرح‌ها و پیشنهادهایی که به ذهنمان می‌رسید به‌خوبی در دفتر فقیه عالی‌قدر منتقل می‌کردیم و ایشان هم به خود آقا منتقل می‌کردند و یک کانال فعالی راه انداخته بودیم ...»

مهدی هاشمی در ادامه این اعترافات می‌افزاید: «ما حرمت مسئولین را می‌شکستیم و از خط امام فاصله می‌گرفتیم ... عوامل نفسانی و ذهنی مرا به این تحلیل کشاند که دفتر آقای منتظری را به عنوان پایگاه برای تحقق اهداف خودم انتخاب کنم. مسئول دفتر برادر من بود. آقا هم به من از سال‌های خیلی دور اعتماد داشتند. سوم این که آقای سعید فرزند آیت‌الله هم با ما همدلی و هماهنگی داشت»

وی در مورد کتابخانه سیاسی توضیحات بیشتری می‌دهد. به قم و حوزه علمیه به عنوان پایگاه اصلی قدرت نگاه